

نقش عصمت در تحقق حقیقت نبوت از دیدگاه مذاهب کلامی

□ سیدحامد علیشاه^۱

چکیده

این تحقیق تحت عنوان نقش عصمت در تحقق حقیقت نبوت از دیدگاه مذاهب کلامی تدوین شده و به بیان دیدگاه های مذاهب کلامی اسلامی درباره عصمت انبیاء (ع) پرداخته است. مسلمانان درباره اعتقاد به بعضی ویژگی انبیاء (ع) مانند داشتن اعجاز، و من جانب الله بودن نبی، وغیره نبی اتفاق نظر دارند اما در بعضی صفات انبیاء (ع) مانند داشتن عصمت مطلق انبیاء (ع) اختلاف نظر دارند. بسیاری از این اختلاف ها ناشی از نداشتن مبنای مشخص در بحث حقیقت نبوت است. اگر چه عصمت از قدیم مورد بحث و بررسی متکلمین ادیان مختلف بوده است و بحث های زیادی درباره عصمت انجام شده است اما به نظر می رسد تحقیق جامعی درباره عصمت از دیدگاه مذاهب کلامی هشگانه (امامیه، اسماعیلیه، زیدیه، معتزله، اشاعره، ماتریدیه، اهل حدیث و اباضیه) به صورت تطبیقی انجام نشده است لذا در این رساله با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی عصمت پرداخته شده است، و معلوم شد که: اگرچه همه مذاهب کلامی هشت گانه قایل به عصمت هستند اما اختلافشان در حدود آن است مثلا تمام متکلمین امامیه و زیدیه و اسماعیلیه و اکثر متکلمین معتزله قائل به عصمت مطلقه هستند اما در مقابل این قول بیشتر مکاتب اهل سنت مانند اشاعره و ماتریدیه و اهل حدیث و اباضیه جز افراد معدودی انبیاء را در همه ابعاد معصوم نمی دانند و آنها را قبل از نبوت فقط از کفر معصوم می دانند و بعد از بعثت به علاوه کفر، از

^۱ - محصل دکتری فقه و معارف (گرایش کلام اسلامی)

گناهان کبیره، و دروغ معصوم می دانند اما از گناه صغیره معصوم نمی دانند همچنین مبرا و منزّه بودن نبی از چیزهای تنفر آور را لازم نمی دانند.

کلید واژه: عصمت، حقیقت نبوت، دیدگاه شیعه، دیدگاه اهل سنت.

مقدمه

نبوت یکی از مسلمات اصول دین مسلمانان است و نبی کسی است که به این منصب الهی انتخاب می شود. نبی چند صفات اختصاصی دارد من جمله مصطفی بودن نبی از جانب خداوند، خلیفه بودن، حاکم بودن، معجزه داشتن - همه مکاتب اسلامی قائل اند که این صفات در تحقق حقیقت نبوت تاثیر دارد و هیچ متکلم اسلامی منکر نقش این صفات نبی در حقیقت نبوت نیستند.

اما از لحاظ محافظ بودن نبی در بین متکلمان اسلامی در حدود محافظ بودن نبی از این جهت اختلاف نظر دارند که آیا معصوم بودن نبی لازم است یا خیر؟ اگر چه همه متکلمین اسلامی اتفاق نظر دارند که نبی باید از ابتدا نبوت معصوم از کفر باشد و همچنین در حالت رساندن پیام الهی، نبی باید معصوم از گناه باشد. اما در ابعاد دیگر بین متکلمین اسلامی اختلاف نظر است مثلا آیا نبی قبل از مبعوث به نبوت معصوم است یا نیست؟ و همچنین بعد از مبعوث به نبوت آیا در همه حال او معصوم است یا فقط در حال رساندن پیام معصوم است؟ آیا نبی نسبت به نسیان، خطا و همچنین گناه صغیره و کبیره هر دو معصوم است یا نیست؟

ما در این مقاله آراء متکلمین اسلامی (امامیه، زیدیه، اسماعیلیه، معتزله، اشاعره، ماتریدیه، اهل حدیث و اباضیه) را درباره عصمت انبیاء (ع) بصورت تطبیقی بررسی خواهیم نمود. تا حدود عصمت انبیاء (ع) از دیدگاه همه مذاهب اسلامی واضح شود از این طریق خیلی شبهات نسبت به بین مذاهب کلامی درباره عصمت وجود دارد برطرف شود.

لذا این مقاله به دو بخش مشتمل می باشد.

بخش اول: عصمت انبیاء (ع) از دیدگاه مذاهب کلامی شیعه

بخش دوم: عصمت انبیاء (ع) از دیدگاه مذاهب کلامی اهل سنت-
(الف) نقش عصمت در حقیقت نبوت از مذاهب کلامی شیعه

۱- عصمت از دیدگاه امامیه

عصمت یک نوع رابطه نبی با دین است اگر چه عصمت به اعمال نبی تعلق دارد و عصمت بر بلند مرتبه بودن در مقام معنویت دلالت دارد چون تبلیغ دین به مردم یکی از کارهای مهم و مسئولیت بزرگ نبی است لذا از این جهت معصوم بودن نبی در دین تاثیر دارد در مکتب امامیه عصمت یکی از شروط اساسی نبوت و امامت است- و عصمت نداشتن مانع گرفتن دین از اوست- به خاطر همین عصمت است که ما از او دین را می گیریم و خداوند متعال هم به خاطر همین عصمت احکامات خود را بر او نازل می کند-

در میان متکلمین اسلامی در این که آیا نبی عصمت مطلقه دارد یا نه؟ اختلاف نظر شدیدی وجود دارد- نظریه امامیه در این باب عصمت مطلقه است و می گویند نبی قبل از بعثت و بعد از بعثت، چه در حال ابلاغ باشد چه در حالت معمولی، در هر حال معصوم است- و همانطور که دین به او رسیده همان را به مردم می رساند و همچنین به سبب همین ویژگی نبی در امور فردی مبتلاء به گناه صغیره و کبیره نمی شود؛ منظور از عصمت مطلقه این است که انبیاء(ع) چه قبل از بعثت و چه بعد از بعثت در همه ابعاد معصوم هستند مانند عصمت انبیاء(ع) در وحی، عصمت انبیاء(ع) از کفر، عصمت انبیاء(ع) از گناه، عصمت انبیاء(ع) از سهو و خطا و نسیان، و عصمت از منفرات-

چنانچه شیخ طوسی می گوید: "اعتقاد ما در شأن انبیاء و رسل و ائمه و ملائکه(ع) این است که ایشان معصوم و پاکیزه شده گانند از هر چرکینی و آنکه ایشان هیچ معصیتی را مرتکب نمی شوند نه کبیره و نه صغیره، و نافرمانی حق تعالی نمی نمایند، هر چه امرشان میفرماید و هر چه مأمور میشوند میکنند، و هر که ایشان را در حالی از احوالشان معصوم ندانسته، پس به تحقیق که جاهل بحق ایشان شده، و هر که جاهل به ایشان شد کافر است-"

و اعتقاد ما در شأن ایشان آن است که از ابتداء امرشان تا آخر همیشه معصوم و کامل و تام و عالم میباشند، و در هیچ حالی از احوالشان متصف بنقصی و معصیتی و جهلی نمیباشند. (صدوق، ۱۳۷۱: ۱۱۸)

محقق حلی در زمینه ی عصمت انبیاء(ع) می گوید: "و أمّا العصمة عن المعاصي فقد اختلفوا، فمنهم من عصمه عن الخلل في التبليغ لا غير، و منهم من عصمه مع ذلك عن الكبائر، و الحقّ أنّه معصوم عن الكلّ في حال النبوة و قبلها." (حلی، ۱۴۱۴۱: ۱۵۵) در بین متکلمین اختلاف است که آیا نبی از جهت گناه معصوم است یا نیست - بعضی قائل هستند نبی فقط در هنگام ابلاغ معصوم است در غیر این صورت معصوم نیست. بعضی غیر از این، از گناه کبیره نیز معصوم می دانند. اما نظریه حق همین است که نبی در هر حال چه حال نبوت چه قبل از آن، معصوم است.

محقق حلی در ادامه همین مباحث دلیل عصمت قبل از نبوت و بعد از نبوت را چنین می گوید "لأنّ مع تجویز ذلك يرتفع الوثوق بخبره، فينتقض الغرض المراد بالبعثة. و أما قبل النبوة فهو معصوم عن تعمد المعصية صغيرة كانت أو كبيرة، و يدلّ عليه من القرآن قوله: لا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ" (حلی، ۱۴۱۴۱: ۱۵۵) اما اگر نبی بعد از نبوت معصوم نباشد از خبر او اطمینان و وثوق حاصل نمی شود وقتی وثوق حاصل نشود نقض غرض لازم می آید زیرا در این صورت هدف از بعث منتفی می شود، اما نبی باید قبل از نبوت هم معصوم از گناه کبیره و صغیره باشد به دلیل آیه "لا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ".

سید مرتضی درباره عصمت انبیاء(ع) می فرماید: "عندنا أنه لا يجوز على الأنبياء عليهم السلام فعل قبيح في حال النبوة و لا فيما تقدمها، و لا يجوز عليهم كبير الذنوب و لا صغیرها." (علم الهدی، ۱۴۱۱: ۳۳۸) نزد ما (امامیه) انبیاء(ع) چه هنگام نبوت و چه قبل از نبوت هیچ کار زشتی را انجام نمی دهند و همچنین نه گناه صغیره و نه گناه کبیره برای آنها جایز نیست. پس امامیه اتفاق نظر دارند که انبیاء(ع)، چه در هنگام مسؤولیت رساندن دین به مردم باشند با چه قبل از آن مسؤولیت باشند، معصوم هستند.

اما درباره سهو و نسیان نبی تعداد محدودی از علماء امامیه قائل هستند که اگر سهو از جانب شیطان بر انبیاء (ع) باشد جائز نیست ولی سهو از طرف خدا بر انبیاء (ع) باشد جائز است. چنانچه شیخ صدوق می گوید: "إِنَّ الْغَلَاةَ وَالْمُفَوِّضَةَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ يُنْكِرُونَ سَهْوَ النَّبِيِّ ص وَيَقُولُونَ لَوْ جَازَ أَنْ يَسْهَوْعَ فِي الصَّلَاةِ لَجَازَ أَنْ يَسْهَوْعَ فِي التَّبْلِيغِ لِأَنَّ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ فَرِيضَةٌ كَمَا أَنَّ التَّبْلِيغَ عَلَيْهِ فَرِيضَةٌ وَ هَذَا لَا يُلْزِمُنَا" (صدوق، ۱۴۱۳۱: ۱/۳۵۹) همانا غلات و مفوضه- که خدایشان از رحمت خود دور بدارد- این سهو و فراموشی رسول خدا (ص) را قبول ندارند و قائلند: اگر جائز باشد که پیامبر خدا (ص) در نماز که جای حضور قلب است سهو نماید پس ممکن است در تبلیغ احکام الهی نیز دچار سهو شود زیرا نماز بر آن حضرت همچنان واجب است که تبلیغ احکام الهی واجب است. (صدوق، ۱۴۱۳۱: ۱/۵۵۶)

البته انکار سهو پیامبر منحصر به غلات و مفوضه نیست بلکه همه شیعیان غیر از صدوق و استادش (محمد بن حسن بن ولید) آن را انکار می کنند. (صدوق، ۱۴۱۳۱: ۱/۵۵۶) وبقیه علماء امامیه این نظر را رد می کنند و قائل هستند که این نوع سهو و نسیان هم جائز نیست و از این جهت هم انبیاء (ع) معصوم هستند. چنانچه فاضل مقداد مطلقاً سهو نبی را جائز نمی داند چه در شرع چه در غیر از شرع- (السیوری الحلی، ۱۴۰۵/۳۰۵) در کتاب تجرید محقق طوسی عصمت انبیاء (ع) و سهو نکردن انبیاء (ع) را واجب می داند- (طوسی، ۷۶۲/۱۹۵) شیخ طوسی حدیث ذو الشمالین و سهو نبی را از ممتنعات عقل می شمارد و سهو را بر انبیاء (ع) جائز نمی داند- (طوسی، ۱۴۱۲/۱/۳۷۱) همه علماء متقدمین و متاخرین امامیه بر این نظر قریب به اجماع هستند-

ما معتقدیم همه پیامبران الهی معصومند، یعنی در تمام عمر (چه پیش از نبوت چه بعد از نبوت) از خطا و اشتباه و گناه به تائید الهی مصون می باشند زیرا اگر مرتکب خطا یا گناهی شوند اعتماد لازم برای مقام نبوت از آنها سلب می شود، و مردم نمی توانند آنان را در تمام اعمال زندگی پیشوا و مقتدای خویش قرار دهند- (شیرازی، ۱۳۷۶/۱/۳۲)

۲- عصمت از دیدگاه زیدیه

مکتب زیدیه تمام نبی را آورنده دین بودن، رساننده دین، مفسر و مبین دین، محافظ دین بودن

می دانند چنانچه درباره پیامبر اکرم گفته شده که او علاوه بر نبی و رسول بودن باید ویژگی های دیگر مانند صادق بودن هم داشته باشد " و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول صادق لشهادة المعجزات علی صدقه" (قاسم بن محمد بن علی، ۱۴۲۱: / ۱۲۲) پیامبر ما حضرت محمد (ص) رسول و صادق است چون معجزه او بر صداقتش دلالت می کند. نبی محافظ شریعت و دین است لذا نبی باید هر آن ویژگی را داشته باشد که در آن محافظت دین تصور می شود مثلا نبی خطا کننده نباشد، کتمان کننده نباشد، فراموش کننده و غیره نباشد. " و من الأوصاف ما يتعلق بشرعه. و الذي يجب أن ينفى عنه في ذلك الكتمان، و النسيان، و الزيادة، و النقصان، و الخطأ في ذلك، و التغيير، و التبديل، و ترك الصبر على العوارض دون الأداء، و ما أشبه ذلك." (حسین بن بدر الدین، ۱۴۲۲: / ۲۸۰) و از اوصافی است که متعلق به شریعت باشد و آن چیزی که واجب است از نبی آن صفات منتفی باشد کتمان حق، فراموش شدن، زیاد و نقصان کردن در دین، خطا کردن، تغییر و تبدیل کردن، و صبر نکردن و غیره باید این صفات در نبی باشد.

ولی نزد زیدیه لازم نیست نبی صفاتی را که به ضرر شریعت نیست نداشته باشد مانند کور بودن نبی، کور بودن نبی آنها بودن این صفات در نبی را دارای اشکال نمی دانند " و يجوز أن يكون أعمى أو أصم ما لم يتعلق أداء الشريعة بهما. فهذا ما يتعلق من الأوصاف بالخلقة، و لا يظهر خلاف بين العلماء في اشتراطها." (حسین بن بدر الدین، ۱۴۲۲: / ۲۸۰) کور و کور بودن نبی اشکالی ندارد مادامیکه ادا شریعت بر آن مترتب نشود پس این صفات متعلق به خلقت نبی بود. در شرط بودن این شرائط بین علماء اختلاف نظری نیست.

صفت عصمت از صفات ذات نبی است و مستقیما به دین ربطی ندارد اما غیر مستقیم به دین ارتباط دارد زیرا نبی باید این عصمت بخاطر تحفظ دین، نبی داشته باشد لذا در تحقق حقیقت نبوت نبی باید معصوم باشد. به همین خاطر بعضی مکاتب اسلامی عصمت را قبل نبوت لازم نمی دانند اما زیدیه نبی را قبل از نبوت و بعد از نبوت معصوم می دانند و يجب أن يعصم عن الكبائر قبل النبوة و بعدها، و عن الكذب صغيرا كان أو كبيرا، و عن الصغائر المسخفة المنفرة كالأكل على الطرقات. (حسین بن بدر الدین، ۱۴۲۲: / ۲۸۱) لازم است

نبی قبل از نبوت و بعد از نبوت عصمت داشته باشد و همچنین از دروغ چه کوچک و چه بزرگ معصوم باشد و از گناه صغیره ای که پست کننده و نفرت انگیز است مانند خوردن در راه-

و همچنین آنها خطا و فراموشی را بر نبی روا نمی دانند و باید نبی از اینها مبرا باشد. "الذي يجب أن ينفى عنه في ذلك الكتمان، و النسيان، و الزيادة، و النقصان، و الخطأ" (حسین بن بدر الدین، ۱۴۲۲/۲۸۰) آن چیزی که واجب است از نبی منتفی گردد کتمان حق، فراموشی، کم و زیاد کردن، خطا کردن است-

اما در بعضی از کتب زیدیه دیده می شود که نبی نسبت به گناه کبیره معصوم است ولی نسبت به گناه صغیره معصوم نیست چنانچه منصور الله در کتاب مجموع الرسایل درباره بحث عصمت امام می گوید "إنه معصوم من الكبائر دون الصغائر؛ لأن الأنبياء عليهم السلام لم يعصموا عنها أعني الصغائر و هو دونهم- (منصور بالله، ۱۴۲۲/۶۸)

او (حضرت علی (ع)) از گناه کبیره معصوم است ولی از گناه صغیره معصوم نیست- زیرا انبیاء (ع) نسبت به گناه صغیره معصوم نیستند او هم نسبت به صغیره معصوم نیست چون مقامش از انبیاء (ع) پایین تر است-

در کتاب "ینایع النصیحة فی العقائد الصحیحة" درباره سهو و نسیان انبیاء (ع) با تفصیل بیان شده است که نسیان و سهو در امور ابلاغ وحی باشد جائز نیست اما اگر در مقام ابلاغ وحی نباشد سهو و نسیان سرزد می شود چنانچه در کتاب "ینایع النصیحة" آمده است "بدان ای مسترشدان! انبیاء (ع) مانند انسان های دیگر هستند غذا می خورند و در بازار راه می روند- آنها هم مبتلاء به خطا و نسیان می شوند مگر در اموری که امر به تبلیغ آن شده اند همانا آنها در این موارد معصوم هستند همان طور که بیان شد- و خداوند متعال درباره پیامبر ما فرمود "ما بزودی (قرآن را) بر تو می خوانیم و هرگز فراموش نخواهی کرد" (القرآن، سوره طه، آیه ۱۱۵) پس ثابت شد که خدا او را در اموری که امر به تبلیغ آن شده از نسیان مصون نگه می دارد - و اما در غیر امور تبلیغ سهو و نسیان از انبیاء (ع) جائز است- چنانچه

خداوند متعال درباره حضرت آدم فرموده است- "پیش از این، از آدم پیمان گرفته بودیم؛ اما او فراموش کرد؛ و عزم استواری برای او نیافتیم" (حسین بن بدر الدین، ۱۴۲۲: ۲۸۲)

در کتاب "عدة الأکیاس فی شرح معانی الأساس" آمده است که "هیچ شکی در این نیست که از انبیاء (ع) خطا واقع شده است یعنی آنها گناه صغیر سهوا و خطا سرزد شده است برخلاف فرشتگان که از آنها به هیچ صورت مرتکب معصیت الهی نمی شوند.. (الشرفی، ۱۴۱۱: ۲۱/۲)

۳- عصمت از دیدگاه اسماعیلیه

نزد مکتب اسماعیلیه نبی رساننده و گیرنده دین است چنانچه در افضلیت پیامبر اکرم (ص) بر دیگر پیامبران این دلیل را ذکر می کند که همه انبیاء (ع) دیگر را با اسم آنها خطاب می کند ولی پیامبر اکرم (ص) را به اسم خطاب نمی کند بلکه یا خطاب به نبی یا خطاب به رسول می کند. "احدها ان الله تعالی خاطب جمیع الأنبیاء باسمائهم، و خاطبه بالنبوة، و الرسالة" (علی بن ولید، ۱۴۰۳: ۵۸) یکی از دلایل افضلیت پیامبر (ص) بر دیگر انبیاء (ع) این است خداوند به دیگر پیامبران با اسم آنها خطاب می کند ولی به پیامبر مکرم اسلام یا نبوت یا رسالت خطاب می کند.

اسماعیلیه انبیاء (ع) را معصوم می دانند لذا آنها در امامت و وصایت عصمت را لازم می دانند چون امام و وصی وارث انبیاء (ع) هستند لذا تمام کمالات معنوی و ویژگی های برجسته نبی از راه وراثت باید داشته باشند. (علی بن ولید، ۱۴۰۳: ۶۷)

آنها امام را جانشین نبی می دانند و همان طور نبی معصوم است امام هم باید معصوم باشد و مانند امامیه نبی و امام را مطلقا معصوم می دانند "وکان القائم مقام الرسول هو الامام و جب ان یكون امینا ثقة، معصوما لا تجوز علیه الخیانة فیما یتودع، ولا الخطا فیما یتجعل الیه." (کرمانی، ۱۹۹۶: ۱/۷۶) وقتی امام جانشین رسول است واجب است او امین و ثقه معصوم باشد، چیزی که نزد سپرده می شود در آن خیانت جایز نیست- و چیزی که نزدش قرار می دهد در آن خطا جایز نیست.

لذا در کتاب "المصابیح فی اثبات النبوة" هفت دلیل برای وجوب عصمت امام بیان شده است. (کرمانی، ۱۹۹۶: ۱/۷۶)

نقش عصمت در حقیقت نبوت از مذاهب کلامی اهل سنت و اباضیه

همه متکلمین اسلامی اتفاق نظر دارند که نبی باید از ابتدا وقت معصوم از کفر باشد و همچنین در حالت رساندن پیام الهی، نبی باید معصوم از گناه باشد. اما در ابعاد دیگر بین متکلمین اسلامی اختلاف نظر است مثلاً آیا نبی قبل از مبعوث به نبوت شدن معصوم است یا نیست؟ و همچنین بعد از مبعوث به نبوت آیا در همه حال او معصوم است یا فقط در حال رساندن پیام معصوم است؟ آیا نبی نسبت به نسیان، خطا و همچنین گناه صغیره و کبیره هر دو معصوم است یا نیست؟ در ادامه ما دیدگاه مکاتب کلام اسلامی اهل سنت را در این زمینه بررسی خواهیم نمود.

۱- عصمت از دیدگاه معتزله

معتزله هم در تحقق حقیقت نبوت نبی را آورنده دین، معلم دین، مفسر دین و محافظ دین می داند و با دیگر فرق مذاهب کلامی اتفاق نظر دارند چون همه این مسؤلیت های نبی در قرآن و روایات بیان شده اما در زمینه محافظ دین آیا نبی معصوم است یا نیست اختلاف نظر دارند و طبق دیدگاه معتزله نبی باید معصوم باشد. برای بیشتر آگاهی با این دیدگاه در زیر نظرات آنها را بررسی خواهیم نمود که در چه ابعادی آنها نبی را معصوم می دانند.

معتزله عصمت انبیاء (ع) را لازم می دانند ولی آنها در دائره عصمت انبیاء (ع) متفق نیستند اگر چه همه متفق اند که انبیاء (ع) از گناه کبیره معصوم هستند ولی در امکان صدور گناه صغیره، به صورت عمدی یا سهوی به سه دیدگاه تقسیم شده اند

۱- گروهی از معتزله می گویند: گناه کبیره از پیامبران سر نمی زند چه عمدا و چه سهوا ولی گناهان صغیره بطور سهوی ممکن است از آنها صادر شود و منافاتی با مقام نبوت و رسالت آنها ندارد.

۲- گروه دیگری از معتزله می گویند: گناهان کبیره مطلقاً از انبیاء صادر نمی شود چه عمدی و یا سهوی اما گناهان صغیره اگر ملتفت باشند که گناه است انجام نمی دهند ولی علی سبیل التأویل انجام می دهند یعنی پیش خود تخیل نموده و می پندارند که گناه نیست و لذا انجام می دهند.

۳- گروه سومی از معتزله می گویند: گناهان کبیره از انبیاء سر نمی زند ولی گناهان صغیره را چه سهوا و چه عمدا انجام می دهند منتهی این ارتکاب صغائر از مقام معنوی آنها عند الله نمی کاهد زیرا که ثوابهای آنان بسیار بزرگ است و این نقطه سیاه با آب پاک دریا دریا ثواب شسته می شود و حبط می گردد یعنی ثوابها این گناه را می خورند و نابود می گردانند و لذا کان لم یکن شیئا مذکوراً. (محمدی، ۱۳۷۸: ۳۵۶)

قاضی عبد الجبار دربار عصمت انبیاء (ع) می گوید: "از حق نبی این است که چه قبل از بعثت چه بعد از بعثت، از کارهایی منزّه باشد که از ولایت خدا اخراج می کند و عداوت خداوند می رساند. وحق این است که جائز نباشد در ابلاغ وحی مبتلاء به کذب، کتمان، سهو و غلط باشد. وحق این است که در انبیاء (ع) چیزهای متنفر کنند نباشند که موجب عدم قبول قول آنها باشد یا موجب عدم اطمینان آنها بشود یا موجب صرف نظر از علم آنها بشود مانند دروغ که هیچ وقت نباید باشد واز مانند توریه و وگناه صغیر پست کننده هم منزّه باشد." (قاضی، ۱۹۶۲: ۲۷۹)

۲- عصمت از دیدگاه اشاعره

اشاعره مانند دیگر مکاتب کلام اسلامی نبوت را یک منصب دینی می دانند لذا انبیاء (ع) را آورنده و رساننده پیام الهی می دانند. اما از جهت محافظ دین آیا عصمت لازم است یا نیست اختلاف نظر دارند اگرچه آنها فی الجمله نبی را معصوم می دانند. همان طوریکه رساندن دین به مردم یکی از مسئولیت های نبی است همین طور محافظت دین و تعلیمات دین هم مسئولیت نبی است. از آنجا که بدون عصمت، نبی نمی تواند دین را کما هو حقّه محافظت بکند به همین خاطر بیشتر مکاتب اسلامی قائل به عصمت انبیاء (ع)

هستند اما در دائره عصمت بین متکلمین اسلامی اختلاف شدیدی دیده می شود چنانچه اشاعره عصمت انبیاء (ع) را فقط در دوران نبوت می دانند اما این عصمت مخصوص به صورت عمدی است ولی در صورت سهوی نبی معصوم نیست بلکه سهوا از نبی گناه سرزد می شود. "ان الأنبياء- عليهم السلام- معصومون في زمان النبوة عن الكبائر و الصغائر بالعمد، أما على سبيل السهو فجائز" (رازی، ۱۹۸۶: ۲/۱۷) همانا در دوران نبوت، انبیاء (ع) از گناه کبیره عمدی و هم گناه صغیره عمدی معصوم هستند اما امکان دارد سهوا گناه کبیره و صغیره از آنها سربرزند.

پس نزد آنها نبی قبل از بعثت معصوم از گناه کبیره و صغیره نیست و همین طور در دوران نبوت از گناه به صورت سهوی و فراموشی هم گناه سرزد می شود لذا در دوران نبوت هم نسبت به صورت سهوی معصوم نیستند بلکه نزد آنها انبیاء (ع) فقط در زمان نبوت و آن هم عمدا از گناه معصوم هستند.

عبد الملک جوینی در مورد عصمت می گوید: "انبیاء (ع) نسبت به چیز هایی که مدلول معجزه را نقض بکند باید معصوم باشند. این را عقل ما درک می کند و همچنین مدلول معجزه هم دلالت می کند که انبیاء (ع) در آنچه می رسانند راستگو هستند. اگر گفته شود آیا نسبت به گناه عصمت انبیاء (ع) واجب است؟ ما می گوییم: "اجماع است که عصمت انبیاء (ع) نسبت به فواحش و کاهش دیانتداری، واجب است. عقل نسبت به این تایید نمی کند ولی عقل می گوید: "انبیاء (ع) باید عصمت داشته باشد نسبت به هر چیزی که منافی با مدلول معجزه است. اما نسبت به گناه صغیره، بناء بر آنچه خواهد آمد، عقل در این زمینه عصمت را نفی نمی کند و بر نفی عصمت و بر اثبات عصمت، هیچ دلیلی نقلی قطعی نداریم." (جوینی، ۱۴۱۶: ۱۴۳)

اشاعره بر آنند که انبیاء هم مثل سایر افراد بشر هستند و هر گناهی چه کبیره و یا صغیره چه سهوا و یا عمدا ممکن است از آنان صادر شود و تنها دو معصیت است که هرگز از انبیاء صادر نمی شود یکی کفر است که آنان يك لحظه هم به خدا کافر نمی شوند و دیگری کذب است که انبیاء ندارند. (سبحانی، ۱۳۸۲: ۱۵۵) و (محمدی، ۱۳۷۸: ۳۵۷)

۳- عصمت از دیدگاه ماتریدیه

آنها نبی را حجت و فرستاده خدا می دانند و برای حجت و رسول بودن نبی نقش اساسی قرار می دهند چنانچه آنها یکی از دلایل ارسال رسول را حکمت الهی قرار داده و می گویند که حکمت الهی تقاضا می کند که برای بندگان اوامر و نواهی خود را با ارسال رسل برساند و به بندگان راه مستقیم نشان بدهند و از گمراهی نجات بدهند اگر خدا انبیاء (ع) را نفرستد و ارسال رسل را تعطیل کند برای خدا حجتی بر بندگان باقی نمی ماند " لانه لو عطلهم لا یكون له حجة عليهم و یكون لهم حجة علیه " (المقدس، ۱۴۳۲: ۶۳۱/)

پس در تحقق حقیقت نبوت نبی باید علاوه بر حجت، و معصوم بودن، آورنده و رساننده دین باشد چون نبی به همین دو ویژگی حجت است وگرنه حجت بودن نبی بر مردم، معنی ندارد.

انبیاء معلم دین و مفسر دین هستند چون انبیاء را خدا برا همین مقصد فرستاده است. در شئون زندگی انسان مورد بسیاری است که عقل انسان مصالح و مفسد آن را درک نمی کند لذا برای تبیین و تشریح این مصالح و مفسد باید از جانب خدا، رسولی بیاید و برای بشر آن را تبیین نماید تا انسان از مصالح بهره بگیرد و از مفسد دوری بجوید. (ماتریدی، ۱۴۲۷: ۱۳۶)

وهمچنین در ادله عصمت بیان می کنند که اگر آنها معصوم از کفر و گناه نباشند از آنها وثوق و اطمینان حاصل نمی شود نتیجتاً آنها از حجت خدا بودن خارج می شود. "انهم حجج الله علی عباده، فلو جاز منهم ارتکاب المنهی، لم یوثق بقولهم فلا یلزم الحجة" (الصابونی، ۱۹۶۹: ۹۶) آنها (انبیاء) بر بندگان، حجت خدا هستند اگر ارتکاب گناه از آنها جائز باشد مردم به آنها اطمینان پیدا نمی کنند پس لازم می آید آنها حجت نباشند.

نبی محافظ دین است و محافظ بودن نیاز به عصمت دارد لذا ماتریدیه نبی را فی الجملة معصوم می دانند و می گویند شیطان نمی تواند بر انبیاء مسلط شود و آنها را گمراه کند چون آنها معصوم و محفوظ هستند " لیس لهم علیهم سبیل، لانهم معصومون والانبیاء محفوظون "

برای شیطان راه بر انبیاء نیست چون آنها معصوم و محفوظ هستند. (المقدس، ۱۴۳۲/)
(۶۲۹)

نزد ماتریدیه انبیاء فی الجملة معصوم هستند و معنی فی الجملة این است که آنها انبیاء را قبل از مبعوث به رسالت شدن فقط نسبت به کفر معصوم می دانند اما نسبت به گناه معصوم نمی دانند ولی بعد از مبعوث به رسالت هم از کفر و هم از گناه معصوم می دانند. "والعصمة عن الکفر ثابتة قبل الارسال و بعده، عند عامة المسلمین-----والعصمة عن المعاصی ثابتة بعد الوحي عند اهل السنة--- واما قبل الوحي فکذا لک عند جمیع المعتزلة والخوارج و عندنا يجوز علي سبيل الندره- (الصابونی، ۱۹۶۹/ : ۹۶) نزد تمام مسلمانان، انبیاء قبل از بعثت و بعد از بعثت از کفر معصوم هستند و همچنین نزد اهل سنت بعد از بعثت هم از گناه معصوم هستند ولی نزد تمام معتزله و خوارج قبل از بعثت هم از گناه آنها معصوم هستند و نزد ما آنها معصوم نیستند بلکه گاه به گاه از آنها گناه سرزد می شود.

انبیاء قبل از بعثت و بعد از بعثت از کفر معصوم هستند و همچنین بعد از بعثت از گناهان کبیره هم معصوم هستند اما نسبت به گناهان صغیره معصوم نیستند ممکن است انبیاء سهوا و عمدا گناهان صغیره را انجام بدهند. حتی قبل از بعثت هم از گناهان کبیره آنها معصوم نیستند چون دلیلی قطعی بر آن نیست. (تفتازانی، ۲۰۱۴/ : ۱۲۹)

و همچنین سهو هم جائز است " و يجوز السهو اتفاقا الا ما يدل علی الخسة كسرقة لقمه" امکان دارد از انبیاء (ع) سهو صادر بشود مگر اینکه چیزهایی که بر پست بودنش دلالت داشته باشد مانند دزدیدن یک لقمه. (تفتازانی، ۲۰۱۴/ : ۱۲۹)

صاحب کتاب " الصحائف الالهی " می نویسد: " بیشتر علماء بر این نظر اتفاق اند که امکان ندارد انبیاء (ع) با قصد و اراده، اقدام به انجام گناه کنند چه گناه صغیره باشد و چه کبیره باشد. بلکه گناهی که از آنها انجام می شود به یکی از این سه صورت ممکن است صورت اولی : آنها گناه را بخاطر سهو و فراموشی، انجام داده اند، صورت دوم: ترک اولی است صورت سوم: منهی عنه را با مباح اشتباه کرده اند. (السمرقندی، بی تا/ : ۴۳۶)

انبیاء (ع) از کفر مطلقاً معصوم هستند اگر چه بعضی گفتند که از انبیاء (ع) قبل از نبوت گناه صغیره بلکه گناه کبیره سرزد می شود حتی قایلند در مقام نزاع بعد از نبوت نیز از انبیاء (ع) گناه کبیره سرزد می شود. اما درباره پیامبر گرامی اسلام همان طور که امام اعظم گفته است که پیامبر گرامی اسلام هیچ وقت از گناه صغیره و کبیره مرتکب نشده است (ابو حنویه، ۱۴۲۸: ۱۰۸)

۴ - عصمت از دیدگاه اهل حدیث

مانند مکاتب کلامی اسلامی دیگر نزد مکتب اهل حدیث هم ارتباط نبی با دین به عنوان اینکه آورنده دین، حافظ دین، و مفسر دین بودن در تحقق حقیقت نبوت تاثیر عمیق و غیرقابل انکاری دارد زیرا آیات و روایات فراوانی نبی را به عنوان آورنده، مفسر و معلم و حافظ معرفی می کند و سیرت انبیاء هم بر آن دلالت می کند چون رفتار و گفتار آنها به گونه ای محافظ دین است.

اما در محافظ دین بودن، عصمت نبی چه مقدار تاثیر دارد؟ بین متکلمین اسلامی اختلاف نظر است لذا اینجا مهم این است که درباره عصمت انبیاء نظر مکتب اهل حدیث چیست؟ باید بررسی شود تا معلوم بشود که آنها تا چه حدی انبیاء را معصوم می دانند یعنی معلوم گردد در چه حدی عصمت انبیاء (ع) را آنها در محافظت دین دخیل می دانند. اهل حدیث هم مانند دیگر مذاهب کلامی به عصمت مطلقه انبیاء (ع) قائل نیستند. اگر چه آنها تمام انبیاء را معصوم می دانند چنانچه ابن تیمیه می گوید: " و الإیمان بکل ما جاء به الأنبياء واجب فإنهم معصومون. " (ابن تیمیه، ۱۴۲۵: ۱۷۴) واجب است به هر آنچه پیامبران آورده اند ایمان آورد چونکه آنها معصوم هستند.

اما انبیاء را در همه ابعاد معصوم نمی دانند چنانچه جواب ابن تیمیه مشخص می شود. چنانچه از ابن تیمیه سوال شد درباره کسی که کافر بگوید کسی را که قائل است انبیاء (ع) نسبت به گناه کبیره معصوم هستند اما نسبت به صغیره معصوم نیستند آیا این درست است یا نیست؟ آیا کسی گفته است انبیاء (ع) عصمت مطلقه دارند؟ حقیقت چیست؟

او جواب داد: تمام ستایش برای خدائی که پروردگار جهان است- او بالاتفاق کافر نیست- --- همانا سخن که انبیاء (ع) نسبت به گناه کبیره معصوم هستند اما نسبت به صغیره معصوم نیستند، این حرف اکثر علماء اسلام و قول تمام طوائف است حتی قول اکثر متکلمین است چنانچه ابو الحسن الآمدی ذکر کرده است که این قول اکثر متکلمین اشاعره است- این قول اکثر اهل تفسیر، حدیث و فقهاء است بلکه جز موافق این سخن از سلف و ائمه و اصحاب و تابعین و تبع تابعین نقل نشده است-

و آنچه از آنها نقل شده، اولین طائفه از طوائف امت که قائل به عصمت مطلقه شده، رافضیه است- آنها انبیاء را معصوم می گویند حتی نسبت به سهو و نسیان هم معصوم می دانند و این را درباره امام که اعتقاد دارند، می گویند، آنها گفتند علی و دوازده امام هم معصوم هستند- سپس مذهب اسماعیلیه هم قائل به عصمت مطلقه شدند- (ابن تیمیه، ۴/۱۴۱۶: ۳۱۹)

سپس ابن تیمیه نظریه عصمت مطلقه را به امامیه نسبت می دهد و این نظریه را از همه اهل سنت نفی می کند: " این قول (عصمت مطلقه انبیاء) از هیچ کس از اصحاب ابو حنیفه و مالکی و شافعی و متکلمین نیست مانند ابو محمد عبد الله بن سعید بن کلاب و ابو الحسن علی بن اسماعیل اشعری و محمد بن کرام و غیر از اینها- و این قول (عصمت مطلقه انبیاء) از ائمه تفاسیر و ائمه احادیث و ائمه تصوف هم نیست- " (ابن تیمیه، ۴/۱۴۱۶: ۳۱۹)

۵- عصمت از دیدگاه اباضیه

طبق مکتب اباضیه انبیاء باید معصوم باشند چون انبیاء بر دیگران ولایت دارند و کسی که ولایت داشته باشد باید او معصوم از عصیان الهی باشد- چنانچه در " شرح غایة المرام " آمده است: " بر مؤمن واجب است، ولایت کسی که خدا او را از هلاکت نگه گذاشته است چه نگه داشتن در وقوع اعمال مهلکه باشد مانند نگه داشتن ملائکه --- انبیاء و اولیاء، هم در نگه داشتن مانند فرشته ها هستند- و چه نگه داشتن از مرگ و نابودی در اموری که مانند

اعتقاد باطل، عمل و سخن فاسد باشد که موجب غضب الهی می باشد، (الخلیلی، ۲۱۷/۱۳۷۳)

اما گناهای انبیاء که در قرآن و روایات به خاطر آن سرزنش آن شده اند این گناه صغیره است و در حق انبیاء گناه کبیره محسوب می شود چون آنها بر مقام مقربین فائز هستند. " واما ما کان عتاب الله لبعضهم و ذکر اعترافهم بذنوبهم و نسبة العصیان الیهم فانما ذلک لعلو قدرهم، فالصغیر فی حق غیرهم کبیر فی حقهم، وقد قیل حسنات الابرار سیئات المقربین- (الخلیلی، ۲۱۷/۱۳۷۳) اما سرزندی که خداوند متعال برای بعضی از انبیاء کرده است و اعتراف گناه آنها ذکر کرده است و عصیان را به آنها نسبت داده است این است و جزء نیست که این بنخاطر بالایی مقام و منزلت آنها است گناه کوچک غیر انبیاء در حق انبیاء کبیره محسوب می شود. همان طور که شده کارهای نیکوکاران در حق مقربان گناه محسوب می شود.

نتیجه بحث

مذاهب کلامی نسبت به تأثیر ارتباط نبی با دین در حقیقت نبوت در جهاتی اتفاق نظر دارند و در مواردی نیز اختلاف نظر دارند مناسب است در اینجا این جهات را جداگانه مورد بررسی قرار دهیم.

۵- تمام مکاتب اسلامی در حافظ دین بودن نبی اتفاق نظر دارند اما در دایره عصمت از جهت محافظ بودن اختلاف نظر دارند.

۲- یکی از شاخه های محافظت دین عصمت انبیاء است. اگر چه همه متکلمین به طور کلی قائل به عصمت انبیاء هستند. و عصمت انبیاء را در تحقق حقیقت نبوت تأثیر گذار می شمارند اما در دایره عصمت اختلاف شدیدی دیده می شود که موجب اختلاف در حقیقت نبوت می شود.

۳- تمام متکلمین امامیه و زیدیه و اسماعیلیه و معتزله جز افراد معدودی از آنها قائل به عصمت مطلقه هستند اما در مقابل این قول بیشتر مکاتب اهل سنت مانند اشاعره و ماتریدیه و اهل حدیث جز افراد معدودی انبیاء را در همه ابعاد معصوم نمی دانند و آنها را قبل از نبوت فقط از کفر معصوم می دانند و بعد از بعثت به علاوه کفر، از گناهان کبیره، و دروغ معصوم می دانند اما از گناه صغیره معصوم نمی دانند همچنین مبرا و منزّه بودن نبی از چیزهای تنفر آور را لازم نمی دانند.

۴. اگر چه همه متکلمین اسلامی عصمت را به خاطر حفظ دین لازم می دانند ولی علماء امامیه حفظ دین و شریعت را در سایه عصمت مطلقه می دانند درحالیکه متکلمین اشاعره، اهل حدیث، ماتریدیه و غیره عصمت انبیاء از گناه صغیره و همچنین سهو و نسیان انبیاء را ضروری نمی دانند. این دو دیدگاه متفاوت نسبت به عصمت انبیاء (ع) باعث می شود که حقیقت نبوت از این دو منظر کاملاً با یکدیگر متفاوت گردد.

کتابنامه

-
- ابن التیمیہ، احمد بن عبد الحلیم، شرح العقیدة الإصفهانیة، بیروت، المكتبة العصرية، چاپ: اول، ١٤٢٥ق-.
- ابن التیمیہ، احمد بن عبد الحلیم، مجموع الفتوى، السعودية، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ١٤١٦هـ.
- ابو حنیفه-ملا علی قاری، شرح کتاب الفقه الأكبر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤٢٨ق-.
- التفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر، شرح العقائد النسفیة، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ٢٠١٤م-.
- حسین بن بدر الدین، ینابیع النصیحة فی العقائد الصحیحة، صنعاء، مكتبة البدر، چاپ: دوم، ١٤٢٢ق-.
- حلی- سبحانی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد قسم الالهیات، قم، مؤسسه امام صادق، چاپ دوم، ١٣٨٢ش-.
- حلی، جعفر بن حسن، المسلك فی أصول الدین و تلیه الرسالة الماتعیة، مرکز البحوث الإسلامیة، مشهد مقدس، ١٤١٤هـ. ق-.
- الخلیلی، احمد بن حمد، شرح غایه المراد فی نظم الاعتقاد، عمان، الکلمه الطیبه، ١٣٧٣ق-.
- السمرقندی، شمس الدین، ریاض، الصحائف الالهیه، بی تا-.

- السیوری الحلی، ابو عبد الله المقداد، ارشاد الطالبین، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم، مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۵ق-
- الشرفی، احمد بن محمد بن صلاح، شرح الأساس الکبیر، صنعاء، دار الحکمة الیمانیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق-
- الصابونی، نور الدین، البدایه من لکفایه فی الهدایه فی اصول الدین، اسکندریه، دار المعارف بمطرب، ۱۹۶۹ء-
- صدوق، محمد بن علی، الاعتقادات، ترجمه: محمد علی حسنی، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۷۱ش-
- صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق-
- الطوسی، محمد بن حسن، الاستبصار، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۲ق-
- الطوسی، نصیر الدین، تجرید الاعتقاد، انتشارات مصطفوی، قم، ۷۶۲ق-
- عبد الملک الجوینی، الإرشاد إلى قواطع الأدلة في أول الاعتقاد، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۶ق-
- علم الهدی، علی بن حسین، الذخیره فی علم الکلام، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۱هـ. ق-
- علی بن ولید، تاج العقائد و معدن الفوائد، بیروت، مؤسسه عز الدین للطباعة والنشر، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق-
- فخر الدین الرازی، محمد بن عمر، الأربعین فی أصول الدین، قاهره، مکتبة کلیات الأزهری، چاپ اول، ۱۹۸۶م-
- قاسم بن محمد بن علی، الأساس لعقائد الأکیاس، صعده، مکتبة التراث الإسلامی، چاپ سوم، ۱۴۲۱ق-
- القاضی عبد الجبار، المغنی فی أبواب التوحید و العدل، قاهره، الدار المصریة، ۱۹۶۵- ۱۹۶۲م-

١٧٦ □ دو فصلنامه علمی- تخصصی مطالعات تطبیقی کلام سال سیزدهم / شماره ٢١ بهار و تابستان ١٤٠٢

كرمانى، احمد بن عبد الله المصاييح فى اثبات الامامة، بيروت، دار المنظر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٩٩٦ء-

الماتريدى، ابو منصور، التوحيد، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٢٧ هـق-

محمدي، على، شرح كشف المراد، دار الفكر، قم، ١٣٧٨ ش-

المقدس، حسن بن ابى بكر، غايه المرام فى بحر الكلام، قاهره، المكتبة الازهرية للتراث، ١٤٣٢ق-

مكارم شيرازى، ناصر، اعتقاد ما، قم، نسل جوان، ١٣٧٦ هـ ش-

منصور بالله، مجموع رسائل الإمام المنصور بالله، صنعاء، مؤسسة الإمام زيد بن علي، چاپ اول، ١٤٢٢ق-